

در: مجموعه مقالات همایش ملی توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای، وزارت کشور، تهران، سه‌شنبه و چهارشنبه ۱۳ و ۱۴ اسفندماه ۱۳۹۳

پیوستگی توسعه روستایی - شهری در قالب منظومه‌های روستایی در راستای توسعه متوازن و پایدار منطقه ای

دکتر عباس سعیدی^۱

کلیدواژگان: پیوستگی روستایی - شهری؛ توسعه پایدار روستایی؛ توسعه متوازن؛ توسعه پایدار روستایی؛ منظومه‌های روستایی؛ شبکه منطقه‌ای؛ شبکه محلی

چکیده:

توسعه پایدار روستایی فرایندی است که ارتقای همه‌جانبه زندگی روستایی را از طریق زمینه‌سازی و ترغیب فعالیت‌های همساز با قابلیت‌ها و تنگناهای محیط (به مفهوم عام آن) مورد تاکید قرار می‌دهد. بر این بنیاد، توسعه پایدار روستایی جنبه‌های گوناگونی را شامل است، اما زمینه‌سازیهایی ساختاری در چهار جنبه عام می‌تواند به کارکرد مناسب این فرایند بیانجامد. این جنبه‌ها عبارتند از: محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی - سیاسی و کالبدی - فضایی. یکپارچگی فضایی در قالب رویکرد نظاموار، سکونتگاه‌های روستایی را در مقیاس‌های گوناگون نقطه‌ای، محلی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای و ملی، و البته همه جا به‌عنوان نظام‌های باز، مورد توجه قرار می‌دهد. بدینسان، هر سکونتگاه روستایی نه تنها به‌لحاظ کنش و واکنش‌های بین اجزا و نیروهای مختلف درونی خود، بلکه از نظر تعامل با دیگر نظام‌های سکونتگاهی (دیگر سکونتگاه‌ها، اعم از روستایی و شهری) نیز پیوسته در روندی پویا قرار دارد. در این بین، آنچه که اهمیتی تعیین‌کننده دارد، امکانات و قابلیت‌های محیط نظام است که به‌صورت امکان برپایی رابطه تعاملی با سیاستگذاران، برنامه‌ریزها و تخصیص اعتبارات و مانند آن تجلی می‌یابد. از سوی دیگر، با عنایت به رویکردهای نوین در جغرافیای کاربردی و توجه به نقش جوامع در ایجاد فضاهای گوناگون، بسیاری از اهداف برنامه‌ریزی فضایی و ابعاد پایداری در پیوندی تنگاتنگ مورد توجه قرار دارند. در همین ارتباط، نگارنده این مقاله بر این باور است که "توسعه پایدار" اصطلاحی نسبتاً "خنثی" است و معنایی درخود (فی‌ذاته) ندارد؛ مگر آنکه نسبت آن با روندهای "پایداری" و یکپارچگی عرصه‌های فضایی سکونتگاه‌ها سنجیده شود. افزون بر این، هم مباحث محیطی و هم برنامه‌ریزی، حاوی مجموعه‌هایی از *دوگانه‌های* مساله‌ساز است که بیشتر به‌عنوان ابزارهای جدل‌برانگیز عمل می‌کنند تا ابزار تحلیلی؛ از جمله محیط در برابر اقتصاد، جامعه در برابر طبیعت، شهر کوچک در برابر روستا، خزش در برابر فشردگی. این مقاله کوشش دارد تا نشان دهد، هرگونه پایداری در روند توسعه روستایی، مستلزم نگرشی یکپارچه در قالب پارادایم فضایی است و این مهم میسر نخواهد شد، مگر با رویکردی مبتنی بر شبکه‌های منطقه‌ای در قالب پویای ساختاری - کارکردی.

۱. استاد گروه جغرافیای انسانی، عضو هسته پژوهشی معماری روستا، دانشکده معماری و شهرسازی و عضو قطب "توسعه پایدار

محیط جغرافیایی"، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

توسعه روستایی یکی از دلنگرانی‌های جدی در کشورهای در حال توسعه است. گسترش بی‌رویه شهرها و رشد شتابان جمعیت به اصطلاح شهری، از یک سو و ناپایداری فعالیتهای کشاورزی، از دیگر سو، نه تنها فاصله موجود بین شهرها و روستاها را گسترش می‌دهد، بلکه منابع گوناگون (طبیعی و انسانی) یکی را به نفع دیگری مصادره می‌کند. آنچه به این فرایند دامن می‌زند، رویکرد متعارف تصدیگری و نگرش آمرانه و متمرکز از بالا به پایین^۱ است که بدون توجه به نقش اساسی مردم ذینفع و مشارکت آنان در تعیین سمت و سوی نیازها و برنامه‌های توسعه‌ای، تاکنون نتوانسته است بطور دلخواه به اهداف از پیش تعیین شده عمران و توسعه روستایی (و البته شهری نیز) دست یابد.

بدینسان، توجه لازم به چند مقوله اساسی الزامی به نظر می‌آید:

- ۱- بازنگری در نگرش تصمیم‌سازان و کارشناسان و دگرگونی در تصور بنیادین آنان نسبت به تحول و توسعه اجتماع روستایی؛
- ۲- آموزش و ترویج خودگردانی روستایی همراه با ترغیب مشارکت روستائینان؛
- ۳- توجه اکید به روابط پیچیده و اثرگذار روستایی-شهری؛ و
- ۴- تقویت پیوندهای روستایی-شهری در قالب رویکردهای مبتنی بر توسعه یکپارچه منطقه‌ای.

مکان، فضا و انتظام فضایی

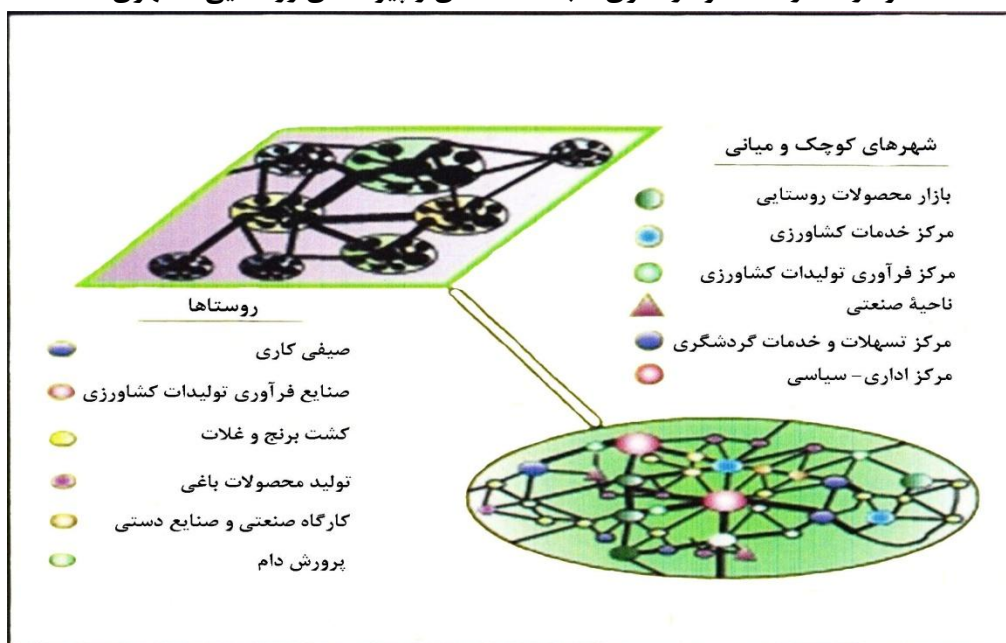
بحث از محیط، فضا و توسعه مبحثی است که بویژه در دهه های اخیر به وجهی نو و متفاوت از گذشته مطرح شده است. بحرانهای زیست محیطی، سوانح گوناگون طبیعی و خسارتهای مادی و انسانی ناشی از آن، انواع آلودگیها و... تصمیم‌سازان، برنامه‌ریزان و کارشناسان را بر آن داشته است، تا به شیوه‌ای بیسابقه به مسایل محیطی و حفاظت از آن بپردازند. از سوی دیگر، از آنجا که نیازهای جوامع و گروههای انسانی، به واسطه پویای ذاتی خود، دایما در حال تغییر و دگرگونی هستند، فضاها برپاشده، به مثابه نظامهای فضایی نیز به تبع آن و در گذر زمان در معرض تحول قرار دارند (سعیدی، ۱۳۹۱).

در این ارتباط، روندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، و به تبع آن، ایجاد و گسترش سکونتگاهها، مزارع، مراعات مصنوعی، مراکز صنعتی، راههای ارتباطی، از یک سو و جابجایی‌های جمعیت، فعالیت و سرمایه‌گذاریهای تولیدی، از دیگر سو، از جمله عوامل تغییر و تحول نظام فضایی بشمار می‌روند. آنچه در این میان مورد تاکید است، درجه رشد فناوری و دسترسی به فنون و ابزار و مدیریت متناسب بهره‌گیری از منابع محیطی در قالب مناسبات سیاسی و اجتماعی-اقتصادی حاکم بر هر یک از جوامع انسانی است. به سخن دیگر، نوع روابط و مناسبات سیاسی و اجتماعی-اقتصادی، درجه رشد فرهنگی و روندهای تحول و تغییرپذیری گروهها و جوامع انسانی در گذر زمان، تعیین کننده نهایی نوع، دامنه و ابعاد دخالت در نظام طبیعی و نهایتا، شکل‌دهی و تحول نظام اجتماعی-اقتصادی و به سخن کوتاه، "تولید فضا" است (سعیدی،).

در این راستا، دستیابی به شبکه‌ای منظم و سلسله‌مراتبی از واحدهای سکونتگاهی روستایی و حفاظت و پایداری آن، مسلماً منوط به عینیت یافتن الزامات و زمینه‌هایی است که رشد و توسعه متوازن اجتماعی-اقتصادی از اولین آنها بشمار می‌رود. به سخن دیگر، بدون سیاست‌گذاریهای متناسب و اقدامات مطلوب و همسو در چارچوبی منطقی و مبتنی بر ویژگیهای مکانی-فضایی مناطق متنوع سرزمین، شبکه‌ای منظم و پایدار از سکونتگاهها در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی پدیدار نمی‌گردد. حتی اگر چنین شبکه‌ای تحت شرایطی ویژه در سطحی ناحیه‌ای یا محلی از طریق اعمال برنامه‌های خاص ایجاد و برپا شود، انتظار خواهد رفت به‌واسطه ارتباطات ارگانیک جاری در کل نظام سکونتگاهی کشور، به‌زودی تحت تاثیر بی‌نظمی‌های موجود، یک‌بار دیگر نظم برقرار شده مختل و از میان برخیزد (سعیدی،).

رویکرد شبکه منطقه‌ای در چارچوب برنامه‌ریزی فضایی یکی از راهبردهای انتظام فضایی در راستای توسعه یکپارچه روستایی-شهری است که قاعدتاً بر این باور استوار است که حضور شهرها و روستاها در یک واحد توسعه منطقه‌ای، با تکیه بر پیوندهای روستایی-شهری، می‌تواند از یکسو، از تنوع فعالیت‌های (اجتماعی-اقتصادی) و توانمندیهای مکمل موجود بین مراکز متنوع سکونتگاهی و از دیگرسو، از این فعالیتها بین هر مرکز سکونتگاهی و حوزه نفوذ بلافصل آن بهره‌مند گردد. در این چارچوب، روابط بین مراکز سکونتگاهی بیشتر افقی، مکمل و دوسویه خواهد بود (داگلاس، ۲۰۰۶؛ داگلاس، ۲۰۱۳؛ سعیدی، ۱۳۸۲؛ ۱۳۹۰؛ ضمنا نمودار شماره ۱).

نمودار شماره ۱- نمودار نظری شبکه منطقه‌ای و پیوندهای روستایی-شهری



ماخذ: داگلاس، ۲۰۰

افزون بر این، آنچه که در این بین بایستی مطرح باشد، تاکید بر محورهای توسعه پایدار است که قاعدتا عرصه وسیعتری، فراتر از منابع صرف انسانی و اقتصادی، را شامل می‌گردد. این محورها عبارتند از:

- حفاظت از محیط روستا و کاهش خطرات و سوانح طبیعی؛
- حفاظت و گسترش مبانی پایداری سکونتگاهها و رفع و تعدیل عوامل ناپایداری؛
- رفع محدودیتهای ناشی از سوءمدیریت، در کنار ترغیب مشارکتهای مردمی به منظور حمایت از مدیریت کارآمد فضایی در سطوح مختلف محلی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای؛ و
- ارتقاء کارآیی محلی و ناحیه‌ای و ارتقاء نقش فضایی مراکز سکونتگاهی.

مفهوم ناحیه و منظومه روستایی

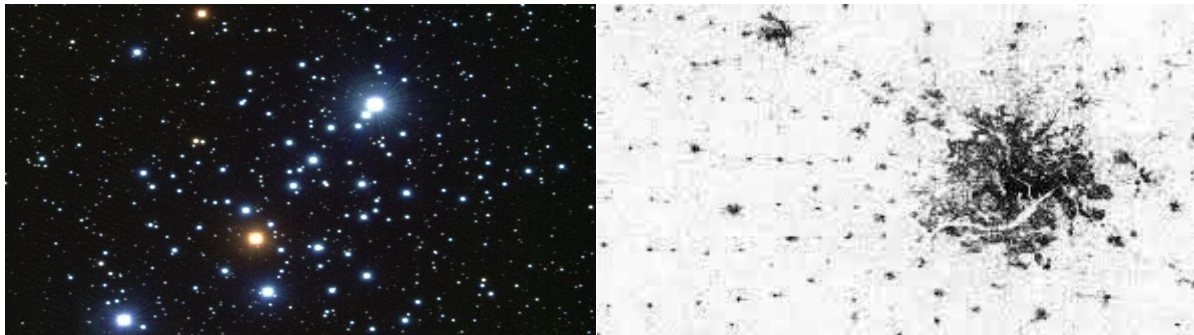
ناحیه عرصه فضایی معینی است که به واسطه یک یا چند ویژگی معین، از عرصه‌های پیرامونی متمایز باشد. البته، این مفهوم را در چارچوبهای مختلف، به صورتهای متفاوتی تعریف کرده‌اند. افزون بر این، در ادبیات کارشناسی و مباحث کلی، دو مفهوم منطقه^۱ و ناحیه^۲ به معنای عام، بصورت مترادف بکار می‌روند. از این رو، بسیاری از کارشناسان ایرانی مسائل شهری و روستایی اصطلاح منطقه (کمربند) را مناسبتر تشخیص داده، به جای هر دو از لفظ "منطقه" بهره می‌گیرند. واقعیت این است که در این بین، در اغلب موارد، اصالت و جایگاه تاریخی- فرهنگی مفهوم ناحیه مغفول می‌ماند. در واقع، کاربرد مفهوم ناحیه در ادبیات کلاسیک و در دوره تاریخی سرزمین ایران از سابقه بیشتری برخوردار است. ناحیه در مباحث شهری و روستایی کهن، شامل محدوده‌ای فضایی بود که یک شهر اصلی نسبتا کوچک یا بزرگ و چندین روستای پیرامونی را که با یکدیگر تعامل عملکردی (اداری، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی و نظامی) داشتند، در بر می‌گرفت (از جمله نک: حدودالعالم من المشرق الی المغرب؛ اصطخری؛ ابن بلخی؛ ابن رسته؛ ابوالفدا و مستوفی). در مباحث امروزی، اغلب برای تشخیص بهتر و تفکیک این دو مفهوم، ناحیه را عرصه‌ای کوچکتر و بخشی از منطقه بشمار می‌آورند. از این رو، ناحیه بلحاظ وسعت و جایگاه، عرصه‌ای کوچکتر را دربر گرفته، در سطحی پائین‌تر از منطقه قرار دارد (نک: سعیدی ۱۳۸۷، ۱۳۸۷، ۷۷۵-۷۷۷ و ۷۹۷).. در ایران، به طور رسمی، ناحیه عبارت است از عرصه‌ای فضایی، شامل یک یا چند بخش، یک شهرستان و یا حتی قسمتهایی از دو یا چند بخش یا شهرستان (ضمنا نک: سعیدی، ۱۳۷۵).

در همین ارتباط، منظومه روستایی به مثابه کوچکترین واحد شبکه محلی، مفهومی است که در چارچوب رویکرد منطقه‌ای، به عرصه‌ای روستایی- شهری گفته می‌شود که در مطالعات فضایی سطح بندی روستاهای کشور (۱۳۸۸)، به عنوان سطحی بالاتر از مجموعه و پایین‌تر از ناحیه قرار می‌گیرد. البته، این مفهوم در فرهنگ سکونتگاهی کشور، با مفهوم دیرین و سنتی بلوک و یا ناحیه کوچک همتراز است و بر همین مبنا، منظومه را می‌توان با ناحیه روستایی مترادف بشمار آورد.

1. region
2. area

منظومه^۱ واژه‌ای در اصل لاتینی است که از لفظ استلا^۲، به معنای ستاره گرفته شده و از طریق زبان لاتین متاخر، به صورت constellation، با کاربرد در ستاره‌شناسی، به زبانهای اروپایی راه یافته است (نک: واژه‌نامه اکسفورد). بدین ترتیب، این اصطلاح بیشتر برای مجموعه‌ای از ستارگان که در آسمان شکل معینی را تشکیل می‌دهند، مورد استفاده است. افزون بر این، منظومه به معنای دسته‌ای از افراد، گروهها، مجموعه‌های مرتبط و هرچیز دیگری، از جمله سکونتگاهها، که به نوعی یا از جهاتی با یکدیگر شباهت دارند، به کار می‌رود (همانجا؛ ضمنا نمودار شماره ۲).

نمودار شماره ۲- مقایسه شکلی یک منظومه سکونتگاهی (۱) با منظومه شمسی (۲)



(۲)

(۱)

بدین ترتیب، منظومه متشکل از گروهی از سکونتگاههای مختلف اندازه عمدتاً روستایی است که عرصه فضایی نسبتاً همگنی را مطرح می‌سازند. این عرصه فضایی که رسماً تعدادی از مجموعه‌ها و حوزه‌های عمرانی را در بر می‌گیرد (نک: سعیدی،)، وسیعترین قلمرو در سطوح فضایی خدمات روستایی بشمار می‌رود و از مرکزیتی معین (معمولاً شهری کوچک یا میانی) برخوردار است.

محدوده منظومه‌ها، افزون بر خصوصیت منطقه‌ای تقسیمات اداری-سیاسی، متناسب با شرایط جغرافیایی و جمعیتی مناطق مختلف، تفاوت می‌پذیرد، هرچند در اغلب موارد با محدوده بخش در تقسیمات اداری-سیاسی سازگاری دارد. با توجه به استانداردهای خدمات‌رسانی، منظومه‌های روستایی بطور متوسط و مجموعاً ۲۰ تا ۴۰ هزار نفر را در بر می‌گیرد؛ اگرچه این شمار جمعیتی در مواردی کمتر یا بیشتر است (برای اطلاع بیشتر، نک: سعیدی، ۱۳۸۸ الف ص ۴۸؛ ضمناً سعیدی، ۱۳۸۸ ب).

شبکه‌های محلی و منظومه‌های روستایی

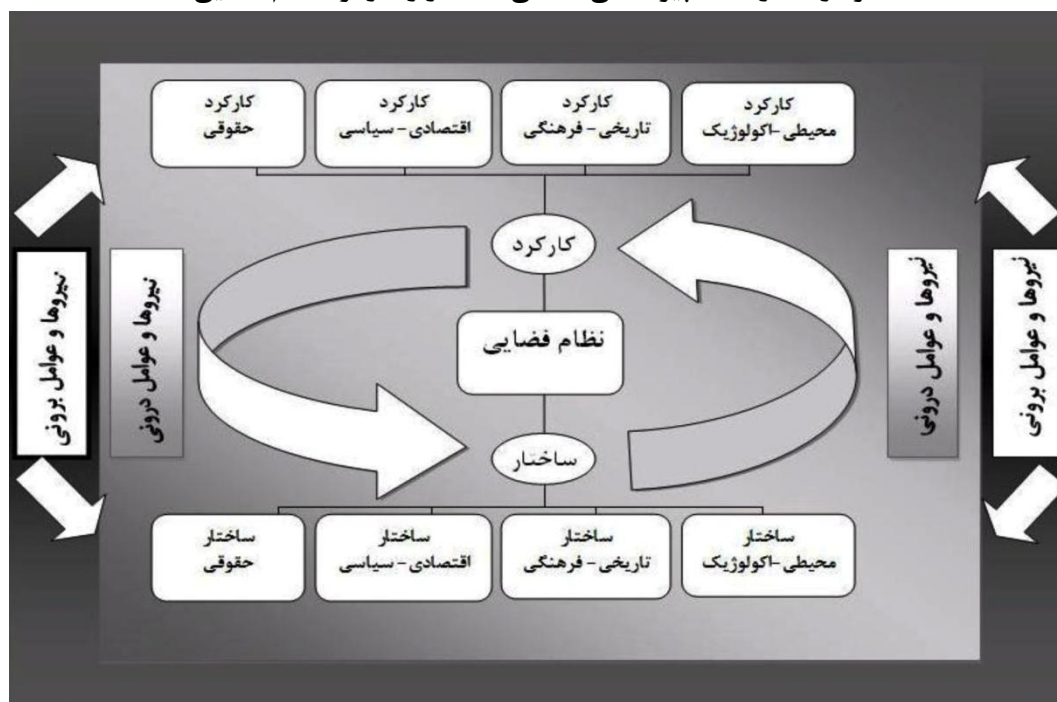
از آنجا که خصلت بنیادین همه نظامها، از جمله نظام فضایی، پیوستگی درونی اجزای مختلف آنهاست، بین ساختارهای مختلف و کارکردهای گوناگون هر نظام، نوعی هم‌پیوندی و هم‌نوایی برقرار است (یا بایستی باشد). اجزای تشکیل‌دهنده منظومه‌های روستایی، یعنی واحدهای روستایی و شهری، در چارچوب شبکه فضایی، از این قاعده مستثنی نیست. درواقع، همین هم‌نوایی است که نوعی پویای درونی در سرتاسر نظام

1. Constellation
2. Stella

سکونتگاهی در سطح مورد نظر برقرار می‌سازد که تا کوچکترین اجزای آن، همچون شبکه‌ای از اتصالات، به یکدیگر مرتبط می‌گردند.

بدین ترتیب، هر جزء ساختاری، جزء کارکردی خود و روابط حاکم بر آن را امکان‌پذیر یا پدیدار می‌سازد. برای نمونه، تغییر در شیب زمین و یا پوشش گیاهی در ساختار محیطی - اکولوژیک، کارکردهایی را بر مجموعه کارکردهای محیطی - اکولوژیک تحمیل می‌کند؛ مثلاً از بین رفتن پوشش گیاهی (تغییر در ساختار)، فرسایش (کارکرد) را تسهیل می‌کند؛ حال اگر از بین رفتن این پوشش با تغییر در شیب همراه گردد (تغییر بیشتر در ساختار محیطی)، مسلماً (کارکرد) شسته‌شدگی و از بین رفتن خاک را تشدید خواهد کرد. باز از آنجا که دگرگونی یک جزء ساختاری بر سایر اجزای ساختاری هم اثر خواهد گذارد (انتقال سیستمی تغییرات)، دیگر کارکردها نیز تحت تاثیر قرار گرفته، مثلاً امکان بهره‌برداری اقتصادی از خاک و پوشش گیاهی و یا کشت و ورز را منتفی خواهد ساخت. به همین ترتیب، برای حفاظت از خاک و پوشش گیاهی و حفاظت از ساختارهای محیطی - اکولوژیک، اصلاح ساختارهای حقوقی و وضع قوانین و مقررات مرتبط ضروری خواهد بود، هرچند اصلاح ساختار حقوقی به نوبه خود، مستلزم اصلاح ساختار فرهنگی و تغییر در رفتارهای فردی و جمعی مطرح خواهد شد (ضمناً نمودار شماره ۳).

نمودار شماره ۳ - پیوستگی تعاملی ساختار و کارکرد نظام فضایی



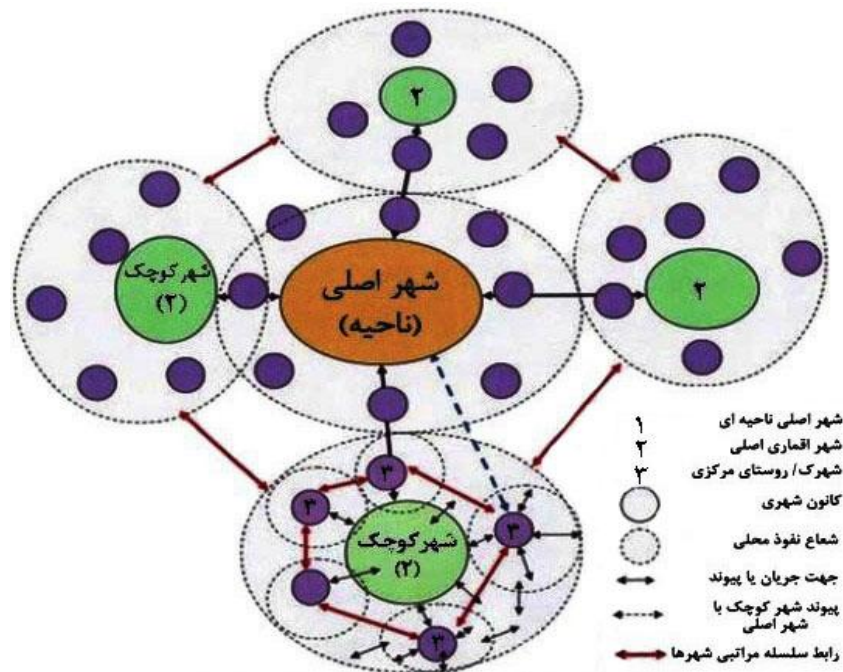
ماخذ: سعیدی، ۱۳۹۱ الف

بدینسان و بنا بر قانونمندیهای مطرح در رویکرد نظاموار (سیستمی)، هرگونه دخالت و تغییر در جزیی از نظام، به سبب هم‌پیوندی ساختاری - کارکردی و اتصالات درون شبکه‌ای اجزای نظام، قاعدتاً بایستی آنچنان

سنجیده و اندیشیده باشد که تبعات اثرگذار آن در سایر اجزا، اعم از اجزای ساختاری یا کارکردی، به‌درستی پیش‌بینی گردد. بنابراین، نباید از یاد برد که هر جزء ساختاری، کارکرد ویژه خود را به‌همراه روابط مرتبط با آن برقرار می‌سازد. از این رو، توجه به پیوستگی ساختاری- کارکردی در عمل مستلزم تاکید بر آن در انتظام همه‌جانبه فضا و اجزای آن برای برآوردن نیازهای گوناگون اجتماعی- اقتصادی است.

بر همین مبنا، بلحاظ نظری و در چارچوب رویکرد شبکه منطقه‌ای، منظومه‌های روستایی را می‌توان شبکه‌های محلی متشکل از خوشه‌های مرتبط سکونتگاهی بشمار آورد که نه تنها از طریق روابط و پیوندهای درون‌شبکه‌ای، روابط روستایی- شهری را انتظام می‌بخشند، بلکه به‌واسطه مناسبات برون‌شبکه‌ای، هسته‌های بنیادین شبکه‌های منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند (نمودار شماره ۴). بر این بنیاد، برنامه‌ریزی در قالب منظومه‌های روستایی نه تنها بر تنوع ساختاری شبکه‌های محلی، بلکه به انواع فعالیتها و روابط (کارکردهای) آنها تاکید ورزیده، پیشبرد برنامه‌های توسعه روستایی را در قالب یکپارچگی نظاموار توسعه فضایی روستایی- شهری راهبری می‌نماید. بدینسان، توسعه منظومه‌های روستایی به مثابه شبکه‌های محلی، به نحو بالقوه می‌تواند نه تنها توسعه کالبدی- فضایی سکونتگاههای روستایی را با نگاهی مرتبط و در پیوند با کانونهای شهری میسر سازد و به تکمیل شبکه سکونتگاهی در مقیاس محلی و ناحیه‌ای یاری رساند، بلکه قادر است بستر ساز اتصال متناسب این‌گونه شبکه‌ها به شبکه سکونتگاهی عام سرزمین بحساب آید (سعیدی، ۱۳۹۲).

نمودار شماره ۴- پیوندهای روستایی- شهری در سامان‌پذیری فضایی ناحیه و منظومه‌های مرتبط



منظومه‌های روستایی و فرایند توسعه پایدار روستایی

برنامه‌ریزی فضایی، بطور کلی، گرچه با برنامه‌های زیرساختی همراه است، اما از آنجا که با گروه‌های انسانی و فعالیتهای گوناگون آنها سروکار دارد، بایستی از روح زندگی برخوردار باشد. این رو، شایسته است در جایی که لازم است برنامه‌های صرف کالبدی به‌اجرا درآیند، مثلا در برنامه‌های نوسازی، بازسازی و یا احیای بافت‌های سکونتگاهی، برنامه‌ریزی فضایی بصورتی یکپارچه و ترکیبی، یعنی با عنایت به الزامات پویای ساختاری-کارکردی (نمودار شماره ۳) مطرح گردد.

اهداف اصلی و عملی برنامه ریزی کالبدی- فضایی در عرصه‌های سکونتگاهی عبارتند از:

- اصلاح ساختارهای فضایی، با توجه ویژه به بستر محیط طبیعی و ویژگیهای اجتماعی- اقتصادی نظامهای فضایی (منطقه، ناحیه، شهر و روستا)؛

- انتظام مکانی- فضایی فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در سطوح مختلف سرزمین؛ و

- نظم بخشی به روابط و پیوندهای فضایی، با تاکید بر سطوح سلسله‌مراتبی سکونتگاهها و تقسیم کار (کارکرد) فضایی در درون شبکه‌های سکونتگاهی و بیناسکونتگاهی.

بازتاب عینی این اصول در عرصه‌های روستایی، با تاکید بر محورهای توسعه پایدار عبارت خواهد بود:

- حفاظت از محیط روستا و کاهش خطرات و سوانح طبیعی؛

- حفاظت و گسترش مبانی پایداری سکونتگاهها و رفع و تعدیل عوامل ناپایداری؛

- رفع محدودیتهای ناشی از سوءمدیریت، در کنار ترغیب مشارکتهای مردمی، به منظور حمایت از مدیریت کارآمد فضایی در سطح محلی و ناحیه‌ای؛ و

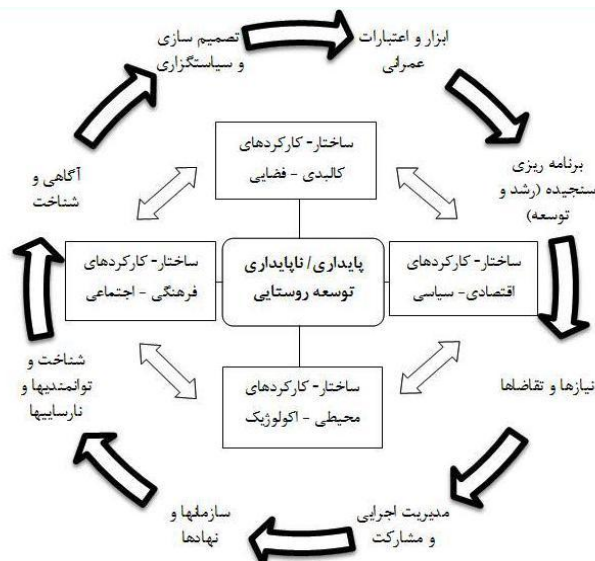
- ارتقاء کارآیی محلی و نقش و کارکرد فضایی سکونتگاهها.

در راستای تحقق این اهداف و دستیابی به پایداری روستایی، چرخه‌ای از ابعاد و جنبه‌های مختلف مطرح است (نمودار شماره ۵)، اما توجه به دو بُعد بنیادین زیر نیز الزامی است:

۱- پایداری محیطی- اکولوژیک؛ و

۲- پایداری اجتماعی- اقتصادی.

نمودار شماره ۵- ارتباط جنبه‌های گوناگون پایداری / ناپایداری توسعه روستایی



ماخذ: سعیدی، ۱۳۷۷ (با تغییرات)

بعد نخست، به وجهی بارز به حفاظت و پایداری باز می‌گردد: حفاظت از منابع محدود طبیعی، از جمله آب، هوا و خاک، گیاهان و جانوران. همین مهم گاهی از حفاظت فراتر می‌رود و بر احیاء و بازسازی ارزشها، منابع از میان رفته یا در حال زوال تاکید می‌ورزد؛ نمونه‌های جهانی آن، از جمله، عبارتند از احیای نواحی طبیعی خارج از محدوده اراضی زراعی یا بازسازی جنگلها. آنچه که به‌ویژه به سرزمین ما مربوط می‌شود، به عنوان نمونه، بیابان‌زدایی و یا احیای سفره‌های فرونشسته آب زیرزمینی با بازتابهای گسترده مکانی- فضایی است. بدینسان، پایداری در قالب حفاظت، نگهداری از روندهای توسعه‌ای جاری و دستاوردهای روندهای پیشین توسعه و یا به‌بهرترین وجه، ترکیب هر دو؛

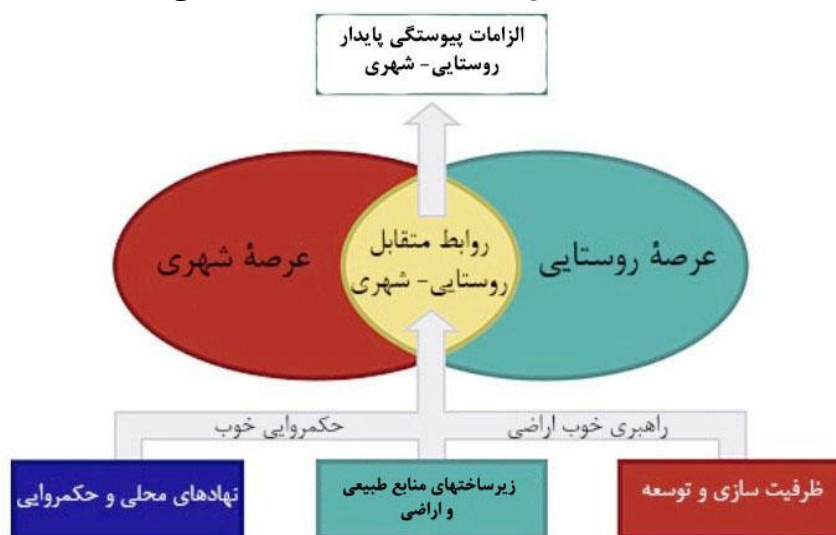
بعد دیگر، که به دوام و پایداری حیات اجتماعی- اقتصادی باز می‌گردد، در عمل ضامن نظام پایدار روستایی است. واقعیت این است که بسیاری از عرصه‌های روستایی، به‌ویژه به‌لحاظ فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی، در معرض ناپایداری شدید قرار دارند؛ کیفیت نازل مازاد تولید، وخامت روزافزون شرائط تولید (کمبود آب و خاک)، افزایش هزینه‌های تولید، شرایط نامناسب حاکم بر بازار و سازوکارهای ناسالم بازاریابی، و ... امکان بقا و پایداری یک زندگی شرافتمندانه را در محیط‌های روستایی با مشکل روبرو ساخته است. نتیجه چنین وضعیتی، قاعدتاً، با مهاجرت و برون‌کوچی ناخواسته و پیامدهای نامطلوب آن همراه خواهد بود.

به منظور برپایی مناسب پیش‌زمینه‌های توسعه پایدار لازم است جنبه‌های مرتبط زیر مورد توجه جدی قرار گیرند:

- ۱- مهمترین منبع توسعه انسان است؛ و اگر
- ۲- حقوق و امکانات لازم برای برآوردن نیازهای اساسی فراهم آید،
- ۳- همه انسانها قادر خواهند بود، خود را به‌نحوی مولد با محیط پیرامونی در حال تغییر سازگار سازند.

- ۴- توسعه و تحول اجتماع روستایی، همچون تحول عمومی جوامع انسانی، محصول توسعه تک‌تک آحاد جامعه است؛ در همین ارتباط،
- ۵- جماعت و گروه‌های هم‌منفعت، در کنار خانواده و خانوار، در زندگی تمام انسانها از اهمیتی بنیادی برخوردار است. بدینسان،
- ۶- توسعه خانوار و جماعت روستایی به معنای توسعه غیر مستقیم کلیت اجتماع روستایی است.
- ۷- هر خانوار و جماعت روستایی عملاً کلیتی مرتبط است که اجزای آن به‌صورت مختلف با یکدیگر در ارتباط قرار دارند. بنابراین،
- ۸- هرگونه تغییر و بهبودی در امور جماعت روستایی باید تمام جنبه‌ها و کلیت آن و تمام جنبه‌های حیات آن را شامل گردد.

نمودار شماره ۶- نمایش ساده‌شده روابط متقابل روستایی- شهری



ماخذ: فدراسیون بین‌المللی محققان، بیانیه مراکش، 2004

افزون بر اینها، تحقق عینی برنامه‌های توسعه مشارکتی نیازمند توجه اکید به دو نکته اساسی است: الف) نخست این که پیشبرد برنامه‌های مشارکتی (از پایین به بالا) مستلزم کوشش در راستای پذیرش عملی شالوده‌های این نگرش است. شالوده فلسفی این نگرش این است که مسایل مبتلابه جوامع انسانی، از جمله روستاها، بسیار پیچیده‌تر و متنوع‌تر از آن است که بتوان با آنها از منظری سنتی و مبتنی بر نگرش رایج و متعارف از بالا به پایین مقابله کرد. در همین ارتباط، هر گونه راه حل قاعدتاً بایستی مبتنی بر توجه به تفاوت‌های همه‌جانبه موجود میان مناطق مختلف، بین زندگی شهری، پیراشهری و روستایی و همچنین، تاکید و احترام به سنت‌های گوناگون و متنوع فرهنگی باشد.

ب) دیگر این که جنبش ایجاد روستاهای پایدار محیطی به راستی جنبشی جهانی است که توانسته است کشورهای شمال و جنوب را با تکیه بر دستور کاری مشترک که تمام آحاد انسانی را جدا از تفاوت‌های فرهنگی، نژادی و مذهبی، برابر به حساب می‌آورد، بر سر یک میز گرد آورد. نکته اساسی مورد تاکید عبارت از این است که ضرورت برپایی روستاهایی پویا بر مبنای حفاظت از منابع محیطی و براساس معیارهای توسعه پایدار به عنوان وجه مشترک میان همه کشورها به درستی پذیرفته شود.

جمع‌بندی

هر نظام فضایی، از جمله سکونتگاه‌های روستایی، نه تنها تحت تاثیر نیروها و روندهای درونی جاری در محیط خود است، بلکه ضمناً از نیروها و روندهای بیرونی هم به‌شيوه‌های مختلف تاثیر می‌پذیرد. این گونه تعامل نیروهای درونی و بیرونی از قانونمندیهای حاکم بر تمامی انواع نظامها بشمار می‌رود. در این چارچوب، همه نظامهای جامعه بشری، اعم از نظام محیطی، نظام اقتصادی، نظام اجتماعی و مانند آن با یکدیگر در ارتباط متقابل قرار دارند. از این گذشته، در این مجموعه مرتبط، هر نظام (سیستم) در برابر نظامهای کوچک‌تر از خود نظام اصلی و در مقایسه با نظامهای بزرگتر، نظام فرعی به حساب می‌آید. آشکار است که منظومه‌های روستایی با ساختار-کارکرد شبکه‌ای خود و به مثابه یک نظام فضایی، متشکل از روابط و پیوندهای سکونتگاهی- اعم از روستا- روستایی و روستایی- شهری است و بر این مبنای از قواعد عمومی حاکم بر نظامهای فضایی تبعیت می‌کنند.

هر نظام فضایی قاعدتاً از ساختارها و کارکردهای مرتبط تشکیل می‌شود. بر این مبنای، این گونه نظامها بر مبنای تنوع و تفاوت‌های ساختاری و کارکردی از یکدیگر مشخص می‌گردند. نمونه شاخص در این زمینه، تفاوت‌های اساسی ساختاری و کالبدی نظامهای فضایی روستایی و شهری با یکدیگر است. البته باید توجه داشت که هر ساختار فضایی، عملکردهای خاص خود را می‌طلبد و بالعکس؛ به عبارت دیگر هر ساختاری، عملکردهای معین و متناسب با خود را امکان‌پذیر می‌سازد. بر این اساس نمی‌توان هر کارکردی را از هر گونه ساختاری انتظار داشت. آشکار است که عکس این قاعده نیز در اغلب موارد صادق است. به سخن دیگر، اگر از یک نظام فضایی عملکردهای معینی را طلب می‌کنیم. لازم است تا ساختارهای متناسب با آن، اعم از ساختههای محیطی و نیز ساختههای انسانی- فرهنگی را نیز فراهم آوریم. بنابراین، نوعی پیوستگی میان جنبه‌های ساختاری و عملکردهای نظامهای فضایی وجود دارد که بر مبنای آن نمی‌توان و نباید این دو نوع جنبه‌ها را جدا از یکدیگر مورد توجه و بررسی قرار داد.

از سوی دیگر از آنجا که نظامهای مکانی - فضایی در ابعاد گوناگونی شکل می‌گیرند، بررسی آنها براساس مقیاس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به این ترتیب، عرصه‌های ساختاری - کارکردی را نه تنها می‌توان در مقیاس بزرگ (جهانی، کشوری و یا منطقه‌ای)، بلکه در ابعاد کوچکتر (ناحیه‌ای، محلی، شهری و یا روستایی) مورد بررسی قرار داد. بدین ترتیب، برنامه‌ها و اقدامات عمرانی- توسعه‌ای در سکونتگاههای روستایی نمی‌تواند مستقل از روابط و پیوندهای بیرونی آنها، بویژه در پیوستگی با کانونهای شهری، به‌درستی به‌اهداف خود دست یابد. بدین ترتیب، منظومه‌های روستایی مورد بحث در این نوشته، مشتمل بر روابط و پیوندهای

روستایی- شهری و متشکل از شبکه‌های محلی، مناسب‌ترین عرصه برای برنامه‌ریزی و اقدامات معنادار عمرانی و توسعه‌ای است. باید یادآور شد که سابقه کوشش نگارنده در راستای بومی‌سازی اندیشه یکپارچگی توسعه فضایی منظومه‌های روستایی به پژوهش‌های انجام‌یافته طی بیش از دو دهه باز می‌گردد (از جمله نک: سعیدی، ۱۳۷۳؛ ۱۳۷۴؛ ۱۳۷۵ الف؛ ۱۳۷۵ ب؛ ۱۳۷۵ ج؛ ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶؛ ۱۳۹۰ الف).

کتابشناسی:

- ابن بلخی، *فارسنامه*، به کوشش علی تقی بهروزی، شیراز، اتحادیه مطبوعاتی فارس، ۱۳۴۳ش؛
- ابن رسته، ابی علی احمد بن عمر، *الاعلاق النفیسه*، لیدن، ۱۸۹۱؛
- ابوالفدا، ابن شاهنشاه بن ایوب، *تقویم البلدان*، پاریس، ۱۸۴۰؛
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، *مسالك و ممالک* (ترجمه فارسی قرن ۵ ق)، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۷؛
- *حدود العالم من المشرق الى المغرب*. به کوشش منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش؛
- سعیدی، عباس (۱۳۷۳)، *استقرار بهینه روستاهای پراکنده کهگیلویه و بویر احمد*، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، ۴ جلد (جلد سوم)، تهران؛
- سعیدی، عباس (۱۳۷۵ الف)، *سطح بندی سکونتگاههای روستایی* (گزارش نهایی)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، تهران؛
- سعیدی، عباس (۱۳۷۵ ب)، "ضرورت آرایش مکانی - فضایی سکونتگاههای روستایی"، در: *مجموعه مقالات ساماندهی روستاهای پراکنده*، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران؛
- سعیدی، عباس (۱۳۷۵ ج): "جایگاه روستاهای کوچک در برنامه ریزی توسعه سرزمین"، در: *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال ۱۱، شماره ۴۳، زمستان؛
- سعیدی، عباس (۱۳۷۷ الف): "توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی در ایران"، *مجله مسکن و انقلاب*، شماره ۸۷، تابستان؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۱): "ساماندهی" (سرمقاله)، *مجله مسکن و انقلاب*، شماره ۹۸، تابستان؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۲)، "روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری (یک بررسی ادارکی)"، در: *جغرافیا* (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۲ (چاپ ۱۳۸۴)؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۳): "نگاهی به فراز و فرود طرحهای هادی روستایی". *مجله دهیارها*، سال دوم، شماره ۱۰، آبان؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۴): "ناکارآمدی ساختاری - عملکردی نظامهای فضایی ناحیه‌ای. مورد: ناحیه باغملک (شرق خوزستان)". در: *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۵، پاییز و زمستان؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۵)، *مکان‌گزینی و مکانیابی سکونتگاههای روستایی*، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، تهران؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۶)، *امکان‌سنجی استقرار روستاهای جدید*، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، تهران؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷ الف)، "شالوده انتظام فضایی و ضرورت مکانیابی سکونتگاههای روستایی در ایران"، در: *فصلنامه آبادی*، سال ۱۸، شماره ۵۹، تابستان؛

- سعیدی، عباس (۱۳۸۷ب): "برخی معیارهای مکانیابی سکونتگاههای روستایی". در: فصلنامه تخصصی مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۴، زمستان؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷الف)، "مفهوم فضا"، در: سعیدی، عباس (سرپرستار و مدیرعلمی)، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی و سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران، صص ۶۱۴-۶۱۷؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷ب)، "ساماندهی فضایی"، در: دانشنامه مدیریت شهری و روستایی،... صص ۴۴۹-۴۵۲؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷ج)، "برنامه‌ریزی فضایی"، در: دانشنامه مدیریت شهری و روستایی،... صص ۱۴۰-۱۴۲؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷د)، "راهبرد شبکه منطقه‌ای"، در: دانشنامه مدیریت شهری و روستایی،... صص ۵۰۳-۵۰۵؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷ه)، "مفهوم ناحیه"، در: دانشنامه مدیریت شهری و روستایی،... صص ۷۹۷؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷و)، "مفهوم منطقه"، در: دانشنامه مدیریت شهری و روستایی،... صص ۷۷۵-۷۷۷؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۸الف)، الگوهای خدمات‌رسانی روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۸ب)، سطح بندی روستاهای کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۹)، "محیط، فضا و توسعه: بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی-شهری"، در: مجله مسکن و محیط روستا، سال ۲۹، پائیز ۱۳۸۹، صص ۳-۱۲؛
- سعیدی، عباس (۱۳۹۰الف)، "روابط شهر و روستا و پیوندهای روستا-شهری"، در: سعیدی، عباس، روابط و پیوندهای روستایی-شهری در ایران، نشر مهرمینو، تهران، صص ۷۱-۱۰۰ [چاپ نسخه اولیه این مقاله در: مجله علمی-پژوهشی جغرافیا، دوره جدید، شماره ۱، ۱۳۸۲ (تاریخ چاپ ۱۳۸۴)؛]
- سعیدی، عباس (۱۳۹۰ب)، "پویا ساختاری-کارکردی-رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی-فضایی"، در: جغرافیا، نشریه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال نهم، شماره ۲۹، (تابستان ۱۳۹۰)؛
- سعیدی، عباس (۱۳۹۰ج)، روابط و پیوندهای روستایی-شهری در ایران، نشر مهرمینو، تهران؛
- سعیدی، عباس (۱۳۹۱الف)، "پویا ساختاری-کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی" در: فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱، (پاییز ۱۳۹۱)، صص ۱-۱۸؛
- سعیدی، عباس (۱۳۹۱ب)، "مفاهیم بنیادین در برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی (بخش نخست)" در: فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی، سال اول، شماره اول (زمستان ۱۳۹۱)، صص ۹-۲۶؛
- سعیدی، عباس (۱۳۹۲)، طرح پیشنهادی توسعه فضایی منظومه‌های روستایی کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، تهران؛

- سعیدی، عباس (۱۳۹۳)، "جایگاه منظومه‌های روستایی در برنامه‌ریزی توسعه پایدار کالبدی- فضایی"، مجموعه مقالات اولین همایش برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی توسعه پایدار روستایی، اردیبه‌ماه ۲-۳ تیرماه ۱۳۹۳؛

- مستوفی قزوینی، حمدالله، *نزهت القلوب*، به کوشش گای لیسترانج، تهران، ۱۳۶۲؛

-Douglass, Mike (2006), "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia", in: [Tacoli](#), Cecilia (Editor), *The Earthscan Reader in Rural-Urban Linkages*, Earthscan Reader Series, London (January 8, 2006), pp.124-155;

-Douglass, Mike (2013), "Integrated Regional Planning for Sustainable Development in Asia: Innovations in the Governance of Metropolitan, Rural-Urban, and Transborder Riparian Regions", UNCRD Expert Group Meeting on *Integrated Regional Development Planning*, 28-30 May (2013).